

گزارش خبری

«شرق» از وضعیت ۲ خوابگاه دانشجویی آسیب‌دیده در پی حملات اخیر گزارش می‌دهد

تخلیه خوابگاه و درمان دانشجویان مجروح

فاطمه غریبی: دانشجویان بلا تکلیف مانده‌اند؛ نمی‌دانند در خوابگاه‌ها بمانند یا به شهرشان برگردند؟ آیا خوابگاه‌ها برایشان امن است؟ با شروع حملات اسرائیل به خاک ایران که از بامداد جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد، دو خوابگاه دانشجویی در تهران آسیب دیدند. این حملات در حالی رخ داد که دانشگاه‌ها با تعلیق یا مجازی‌سازی امتحانات تلاش می‌کنند وضعیت آموزشی را مدیریت کنند؛ اما دانشجویان، به‌ویژه ساکنان خوابگاه‌ها، اکنون میان ترس و بلا تکلیفی گرفتار هستند. «زهر»، از دانشجویان ساکن خوابگاه فاطمیه دانشگاه تهران، از سردرگمی بین دانشجویان می‌گوید: «خانواده‌ها نگرانند، شرایط خوابگاه هم از نظر امنیتی چندان خوب نیست. تعدادی از دانشجوها با اینکه قصد داشتند تهران را ترک کنند، اما در نهایت به دلیل ترافیک سنگین و نبود وسیله نقلیه نتوانستند از شهر خارج شوند». آنها نگران جان‌شان هستند.

روایت ۲ حمله به خوابگاه‌های دانشجویی

عبدالرضا دبانی، سرپرست اداره کل دانشجویی معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، در گفت‌وگو با «شرق» خبر از آسیب‌دیدگی دو خوابگاه دانشجویی داد: «خوابگاه طوس متعلق به دانشگاه علوم‌پزشکی شهید بهشتی و خوابگاه بین‌الملل مربوط به دانشگاه علوم‌پزشکی تهران، تحت تأثیر حملات قرار گرفتند. با توجه به اینکه فقط دانشجویان اینترن و رزیدنت در خوابگاه‌ها حضور دارند و خوابگاه‌های دانشجویی تجمع شده‌اند، خوابگاه طوس خالی از سکنه بود. خوابگاه بین‌الملل دانشگاه علوم‌پزشکی تهران هم با آنکه با اصابت پادفند یا پهباد مواجه شده، اما بخش‌هایی از لاشه‌های پهباد به دیوارهای این خوابگاه اصابت کرده است». دبانی همچنین اضافه کرد در این دو حمله آسیب فیزیکی جدی‌ای به دانشجویان وارد نشده، اما دانشجویان به دلیل شرایط جنگی به‌شدت نگران هستند و به همین دلیل از دانشگاه‌ها خواسته شده مشاوران، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی حتما در خوابگاه‌ها حاضر باشند تا مسائل مربوط به سلامت روان دانشجویان در نظر گرفته شود و سایر دانشجویان نیز از راه دور بتوانند از خدمات سلامت روان به صورت آنلاین استفاده کنند. علاوه بر آن، برای کاهش دلهره دانشجویان و مدیریت فضای بحرانی، مقرر شده مسئولان دانشگاه‌ها در فضای دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها حضور مرتب داشته باشند».

از حمله به خوابگاه‌ها تا امنیتی پناهمگاه‌ها

علیرضا دهقانی، دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی تهران، به آسیب‌دیدگی خوابگاه بین‌الملل دانشگاه علوم‌پزشکی تهران اشاره کرد؛ خوابگاهی که در بلوار کشاورز است، او به «شرق» گفت: «پهباد به خانه‌ای در همسایگی این خوابگاه اصابت کرده و چهار یا پنج نفر از دانشجویان مجروح شدند که بلافاصله به بیمارستان منتقل شدند». به گفته دهقانی، به محض انتشار خبر مصدومیت این دانشجویان، محمدحسین پورقریب‌شاهی، سرپرست معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم‌پزشکی تهران و فریده فرید، سرپرست مدیریت امور خوابگاه‌های معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم‌پزشکی تهران، در کنار آسیب‌دیدگان حاضر شدند. به گفته او، آسیب‌دیدگی این دانشجویان جدی نبود، آنها تحت درمان قرار گرفته‌اند و خوابگاه تخریب‌شده به‌طور کامل تخلیه شده است. او درباره ایمنی دانشجویان و خطر ماندن در خوابگاه‌ها توضیح داد: «بسیاری از دانشجویان علوم‌پزشکی به دلیل شرایط تحصیلی مجبورند در تهران و خوابگاه‌ها بمانند. بااین‌حال فکر می‌کنم در بعضی دانشگاه‌های خوابگاه‌های استیجاری، پناهگاه وجود ندارد. در خوابگاه کوی علوم‌پزشکی تهران پناهگاه‌هایی هست، اما آنها ظرفیت بسیار کمی دارند، سیستم تهویه مناسبی نیز ندارند و باید بازسازی شوند. نخستین واکنش رسمی به وضعیت فعالیت دانشگاه‌ها در پی حمله اسرائیل به ایران، با صدور اطلاعیه‌ای مشترک از سوی وزارتخانه‌های علوم و بهداشت همراه بود. در این اطلاعیه، بر اختیار دانشگاه‌ها برای تصمیم‌گیری مستقل تأکید شده است. براساس این اطلاعیه، دانشگاه‌ها می‌توانند با توجه به شرایط خاص و امکانات خود، امتحانات را به صورت حضوری یا مجازی برگزار کنند و برای دانشجویانی که به دلیل وضعیت جنگی موفق به شرکت در امتحانات نمی‌شوند، امکان حضور در آزمون‌های جبرانی فراهم می‌شود. در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده که جلسات دفاعیه و مصاحبه‌های دکتری نیز می‌تواند به صورت مجازی برگزار شود. به این ترتیب، نحوه ادامه فعالیت‌های آموزشی در شرایط بحرانی، در اختیار مدیریت هر دانشگاه قرار گرفته و ممکن است در واحدهای مختلف آموزش عالی، تصمیم‌گیری‌ها متفاوت باشد. برای آسان‌کردن راه برگشت به خانه دانشجویان خوابگاهی، دانشگاه‌ها تاریخ برگزاری امتحانات را به تعویق انداخته‌اند تا تصمیم‌گیری برای دانشجویان خوابگاهی راحت‌تر شود. مثل دانشگاه تهران که تمام امتحانات تا ۱۹ تیر به تعویق افتاده‌اند و برای بازگشت دانشجویان به شهرها و شهرستان‌های محل سکونت‌شان، قرار است از سوی دانشگاه بلیت اتوبوس تهیه شود تا دانشجویان بتوانند در صورت تمایل از طریق ثبت‌نام، برای سفر اقدام کنند. دانشگاه علم و صنعت هم اعلام کرده که با تأیید هیئت‌رئیس دانشگاه، تا اطلاع ثانوی آزمون‌های پایان ترم تعلیق‌اند. براساس اعلام دانشگاه شریف، امتحانات با یک هفته تأخیر برگزار می‌شود و تا تاریخ ۲۹ خرداد، تصمیمات جدید گرفته می‌شود. امتحانات دانشگاه بهشتی از ۲۲ تیرماه آغاز می‌شود و دانشگاه خواجه نصیر امتحانات را به بازه زمانی ۱۷ تا ۳۰ تیرماه موکول کرده است. دانشگاه علامه طباطبائی اعلام کرده که امتحانات تا تاریخ ۱۱ تیرماه به تعویق افتاده است. دانشگاه تربیت‌مدرس هم اعلام کرده امتحانات از یکم تیرماه بدون تغییر برگزار می‌شود.

خبر

اجاره مسکن برای آسیب‌دیدگان

مهر: رئیس جمعیت هلال احمر گفت: «با هماهنگی با سازمان مدیریت بحران کشور قرار شد برای افرادی که خانه آنها در حملات رژیم صهیونیستی تخریب شده، مسکن اجاره شود». برحسین کولیوند، در نشست کمیته اضطرار جمعیت هلال احمر، با بیان اینکه سال گذشته نقشه جامع خطرپذیری آماده شد و بر همین اساس در حال انجام عملیات‌های مختلف هستیم، افزود: «ما ۷۰ هزار آمادگر تیم واکنش سریع داریم که آموزش‌دیده و فعال‌اند و امروز سه‌هزار و ۵۰۰ نفر آمادگر هستی در حال فعالیت شبانه‌روزی هستند». به گفته او، دومین اولویت، اسکان اضطراری و تهیه اقلام مورد نیاز برای افرادی است که خانه‌شان را از دست داده‌اند. حتی قرار شد با هماهنگی مدیریت بحران کشور، برای این افراد خانه جدید اجاره شود. او ادامه داد: «انتقال مصدومان و پیکر شهدا نیز با هماهنگی با سایر نهاده‌ا در حال انجام است و هماهنگی خوبی با وزارت بهداشت داریم. همچنین پیش‌بینی شده مراکزی برای مراقبت سلامت به‌عنوان نقاطگاه ایجاد شود». کولیوند گفت: «اولویت بعدی ما بالابردن سطح تاب‌آوری است. ما شاهد حمله فیزیکی مثل ترور و موشک هستیم، اما حمله دیگری نیز در حال رخ‌دادن است که همان حمله امنیتی و اطلاعاتی است که ذهن مردم را آذیت می‌کند. بنابراین نیروهای «سحر» هلال در حال اقدام هستند و برای مشاوره رایگان به ما کمک می‌کنند».

سرگردانی برای پیداکردن اجساد

تعداد زیادی از خانواده‌ها نمی‌دانند پیکر عزیزانشان کجاست. اجساد آسیب‌دیده‌اند و نیاز به آزمایش تشخیص هویت دارند

زهرای جعفرزاده: سرگردانی، رنج و خشم؛ هیچ چیز حال بازمانده‌ها و خانواده‌هایی را که مقابل

در بزرگ ساختمان مرکز تشخیص پزشکی قانونی کهریزک ایستاده‌اند، توصیف نمی‌کند. چشمان برخی کاسه خون است، چشم‌خانه‌شان در گودی فرو رفته. عده‌ای اما در بهتان‌د؛ نه اشکی ریخته‌اند، نه فریادی زده‌اند و نه دست‌ها را به نشانه سوگواری بر سر زده‌اند. گروهی کوشی تلفن همراه از دستشان نمی‌افتد، به گوششان چسبیده و آن طرف فقط بوق می‌خورد؛ بوق و کسی بر نمی‌دارد. دوباره تکرار، تکرار شماره، تکرار و... کسی پاسخی نمی‌دهد. آنها هزاران بار با تلفن عزیزان ناپدیدشده‌شان تماس گرفته‌اند. گوشی برخی از تکرار تماس‌ها، باتری تمام کرده و خاموش شده. آنها نمی‌خواهند بپایزند که پیکر بی‌جان عزیزانشان پشت درهای بزرگ پزشکی قانونی کارور شده است. هنوز امید به زنده‌بودن دارند. از جیب‌ها و فریادهای مکرر مادرش «زهره»، دیوارهای ساختمان می‌لرزید. مادر حتی جان نداشت روی پایش بایستد. روی سکویی نشسته بود. درست کنار در ورودی ساختمان که ساعت ۱۲ شب یکشنبه ۲۵ خرداد قفل‌زده، بسته بود.

خانواده‌ها دو صف شده‌اند. عده‌ای وارد ساختمان شده‌اند برای انجام تست دی‌ان‌ای و تشخیص هویت. عده‌ای منتظرند مشخصات بدهند تا ببینند جسد عزیزشان اینجاست یا جای دیگری دنبالش بگردند. درها ساعت هفت صبح باز شده است. پروسه طولانی است. حداقل ۳۰ نفر داخل‌اند و به همان تعداد در صفا‌ها ایستاده‌اند. خانواده‌ها یک به یک اضافه می‌شوند.

«آی روله، آی روله»

«زهره»، مادر هستنی فریاد می‌زد: «آی روله، آی روله». «آی روله» را لرها و کردها برای فرزند و عزیزشان به کار می‌برند و هستنی، عزیز مادر بود. دختر جوان ۲۲ساله که چهار روز پیش مراسم وصلش بود برای پسری که چندین سال برای رسیدن به او تلاش کرده بود. عقدشان بود و حالا پسر ایستاده مقابل در، با کشف‌های خاک‌گرفته، موهای ژولیده و موبایلی که دست به دست می‌شود. گاهی گوشی را به گوش می‌چسباند و گاهی نگاهی پرغم به مادر همسرش می‌اندازد. ساعت‌ها را برای پیداکردن هستی در بیمارستان گذرانده، اما خبری نگرفته است. بیمارستان‌های یاس، خاتم‌الانبیا، بقیه‌الله، فیروزگر و... دوباره برگشته به خیابان صابونچی؛ بالای سر آوارها. کارگران گفته‌اند برو کهریزک، پزشکی قانونی کهریزک، ساعت ۱۲ شب خودش را رساند. مادر هستی، هانیه خواهرش، خاله‌اش فرشته، همسر خاله‌اش و... همه جمع بودند. مادر کمی قبل‌تر از لای در ورودی ساختمان پزشکی قانونی که بر جاده قدیم قم-تهران است، گیر افتاده، نه توان بلندشدن دارد، نه لای حرف‌زدن. میان در ورودی روی زمین افتاده. موهایش را می‌کشد، انگشت‌ها را پنجه می‌کند و به صورت می‌زند؛ به ابروها، به گونه‌ها و ردش خونی شده. سربازان ایستاده کنار در، به گریه افتاده‌اند. چند نفر دست‌های مادر را گرفته‌اند تا چنگی به خود نزد. چشمان سبزش تهی است، اشک‌ها بند آمده. به زحمت او را بیرون می‌کشند و روی سکو می‌نشانند. هانیه، خواهر هستی، گوشه سکو کز کرده است. دوزانو نشسته و گوشی را مدام به گوشش می‌چسباند. هزارمین بوق را می‌خورد و کسی جواب نمی‌دهد. هستنی پاسخی نمی‌دهد. هانیه دوباره شماره را تکرار می‌کند.

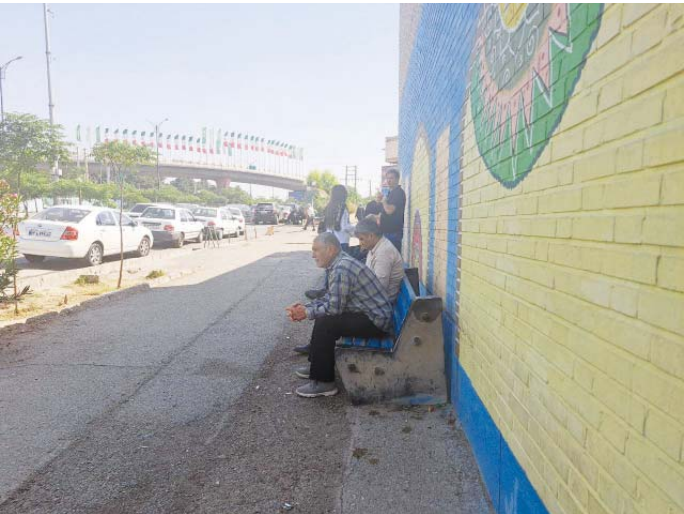
مسیریاب‌ها از دسترس خارج شدند

مسیریاب از مرکز شهر، ۴۵ دقیقه را به مقصد که پزشکی قانونی کهریزک است نشان نمی‌دهد. ساعت ۱۰:۳۰ شامگاه یکشنبه ۲۵ خرداد اما جاده‌ای که به مرکز تشخیص پزشکی قانونی کهریزک می‌رسد، پرترافیک است. اتوبان شهید تندگویان خروجی آزادگان با چراغ خودروها روز شده است. تعداد بی‌شماری خودرو در حال خروج از شهر هستند. مسیریاب در میان راه از کار می‌افتد. مسیر اشتباهی می‌دهد و خیلی‌ها را گرفتار می‌کند. خودروها کنار خیابان‌ها ایستاده و سرنشینان از رهگذاران

به دنبال آدرس می‌گردند. یکی دنبال خروجی تهران است. آن یکی می‌خواهد به سمت کرج برود. مسیر از دسترس خارج می‌شود و راه از آنچه مسیریاب گفته طولانی‌تر. ساعت از ۱۱ شب گذشته که تابلوی بزرگ ساختمان پزشکی قانونی نمایان می‌شود. آن ساعت کسی دیده نمی‌شود. تنها چند چراغ روشن است. درها قفل شده و گاهی خودروی حمل جسد دیده می‌شود که دقایقی پشت همین در منتظر می‌ماند. ساعت به ۱۲ که نزدیک می‌شود، خانواده‌ها از راه می‌رسند. پیکره‌ای بی‌جان کاورشده در پزشکی قانونی، همسایه‌اند، هم‌محلی‌اند. اقوامشان پشت در زیر آسمان تاریک و بی‌ستاره، همدیگر را پیدا می‌کنند. اسم محله و خیابان و پلاک را می‌دهند و می‌بینند که هم‌درزند. «به چاه زیر آوار ماند. بچه شما هم بود؟» و این‌طور خود را آرام می‌کنند. بیتا موسوی، همکار رسانه‌ای که خود خبرنگار است، پی‌چنازه خانواده‌اش آمده. داداغار برادر، همسر برادر و برادرزاده‌اش است. از ساعت چهار بعدازظهر به دنبال خانواده‌ها و آخر از اینجا سر درآورده‌اند. صدای جیب‌ها و گریه‌ها زن و مرد درهم تنیده می‌شود. خانواده‌های غریبه اما آشنا به درد هم، یکدیگر را در آغوش می‌کشند و روی شانه‌های هم اشک می‌ریزند.

سرگردانی در بیمارستان‌ها

برخی در پی انفجار خیابان صابونچی آمده‌اند، گروهی از خیابان محبی شریعتی و روز دوشنبه ۲۶ خرداد، خانواده‌های ساکنان شهرک چمران هم به آنها اضافه شدند. «عکس داری؟ که ملی چی؟» زهره مادر هستنی نای حرف‌زدن ندارد. نامزدش اما در میان مدارکی که برای عقد به دفتر ثبت ازدواج داده بود، دنبال که ملی می‌گردد: «هستی کارمند یک شرکت لوازم‌التحریر در خیابان صابونچی بود. از صبح به او گفتیم برگرد خانه. بیا برویم لرستان، برویم شمال. قبول نمی‌کرد. مانده بود شرکت. ساعت حدود چهار پایین ساختمان‌شان بودم. پشت پنجره آمد. گفتم بیا برویم، گفت سعید صاحب‌کارم نیست. باید خروجم را ثبت کنم. بروم ناراحت می‌شود. نیامد. کمی بعد انفجار شد. من همان‌جا ایستاده بودم تا پنج ساعت بعدش. کارگران میله‌گرها را جمع می‌کردند و من نشسته بودم. تنها نشانی که از هستی دارم ریموت ماشینش است. نگاه کنید گوشه‌اش شکسته، مطمئنم برای هستی است». ریموت



گزارش میدانی «شرق» از تجمع خانواده‌های شهدا مقابل ساختمان پزشکی قانونی کهریزک

سرگردانی برای پیداکردن اجساد

تعداد زیادی از خانواده‌ها نمی‌دانند پیکر عزیزانشان کجاست. اجساد آسیب‌دیده‌اند و نیاز به آزمایش تشخیص هویت دارند

را نشان می‌دهد. از سر و وضعش پیداست که لای آوارها دنبال نشانی از نامزدش گشته است. ساختمان چندطبقه با یک پارکینگ تخریب‌شده، آن‌طور که می‌گویند هشت نفر در همان شرکت بودند. از سایر طبقات اطلاعی ندارند: «انفجار بین ساعت سه و چهار بعدازظهر بود». بعد از این انفجار خبر رسید دو نفر از فرماندهان شهید شده‌اند؛ درست در نزدیکی همین ساختمان.

تعداد خانواده‌ها بیشتر می‌شود و این سربازان داخل ساختمان را می‌ترساند. آمدند گفتند «عده‌ای در خیابان مشغول تیراندازی‌اند، بروید تا به شما نخورده». کسی توجهی نکرد. دوباره آمدند و گفتند «پدافندها فعال شده‌اند بروید اینجا خطرناک است». باز هم کسی تکان نخورد: «تا صبح اینجا می‌ایستیم». ناگهان صدای انفجاری می‌آید و همه جا می‌لرزد. بلافاصله بعدش صدای شلیک‌های بیایی، چراغ‌ها خاموش می‌شود و همه به سمت ماشین‌هایشان می‌روند. دقایقی بعد اما بازمی‌گردند. عزیزانشان را تنها نمی‌گذارند. سرباز سینی آب می‌آورد، برای آرام‌کردن خانواده‌ها، «بروید فردا صبح بیایید». این جمله‌ای است که هر لحظه از سوی یکی از کارمندان از لای ترده‌ها برای خانواده‌ها تکرار می‌شود.

صدای مادر هستنی دوباره بلند می‌شود. دست‌ها را به سمت آسمان گرفته «ای خدا» و ناله می‌کند: «به ما گفتند بروید بیمارستان امام حسین، از آنجا گفتند بروید چمران، بعد گفتند بروید یاس. همه را با موتور رفتیم. آخر سر از اینجا سر درآوردیم».

مانشین مخصوص حمل جسد از راه می‌رسد. خاله فرشته سراسیمه به سمت راننده می‌رود. به شیشه می‌گوید: «آقا از کجا می‌آیی؟ از سهروردی؟». راننده جوابی نمی‌دهد. چند بوق کوتاه می‌زند و دنده‌عقب می‌گیرد و می‌رود. نیم‌ساعت بعد دوباره این صحنه تکرار می‌شود. راننده اما شخص دیگری بود. آنها در حال انتقال اجساد بودند، اما ظاهرا پذیرش از صبح انجام می‌شود.

صدای گریه‌های مردی از گوشه دیگری از درِ اصلی بلند می‌شود؛ مردی که لباس‌های مرتبی به تن دارد. زمان کافی برای پوشیدن داشته. حرفی نمی‌زند. عکس بردارش را به همان کارمند داده، عکس با جسد مطابقت داشته. خبر را جلوی در به او می‌دهند. نفر دیگر پسر جوان سیاه‌پوشی است. هیچ صدایی از او شنیده نمی‌شود. آنها ساکنن خیابان محبی شریعتی‌اند. از اقوام همسایه‌های خانواده بیتا موسوی. هانیه خواهر هستی را صدا می‌زنند. مشخصات می‌خواهند. با دست کنار پایش را نشان می‌دهد. می‌گوید یک بریدگی دارد. خاله به کمک می‌آید: «هستی دیابتی است. جای سوزن روی پایش است. زخم شده». کارمند می‌رود و می‌آید می‌گوید جسدی با این مشخصات پیدا نشده. نامزد جلو می‌آید: «یک اپل‌واچ دستش بوده». کارمند سر تکان می‌دهد؛ یعنی نه. هانیه جیب می‌زند. به مادر می‌رود: «مادر زنده است زنده. اینجا نیست». مادر جان دوباره‌ای می‌گیرد. بلند می‌شود و می‌رود سمت ماشین. شاید هستنی گوشه بیمارستانی افتاده؛ نوری به دلشان تابیده. اما صبح دوشنبه ۲۶ خرداد خاله فرشته مقابل ساختمان پزشکی قانونی خبر داد که آنها را به همین مرکز ارجاع داده‌اند. باید آزمایش دی‌ان‌ای بدهند. «هستی» در مرکز پزشکی قانونی تنها نیست. همکاریش که زنی ۴۰ساله است هم کنارش قرار گرفته. او هم دقیقا به دلیل ترس از خروج زودهنگام از محل کارش و توییح از سوی صاحب‌کار، در ساختمان مانده و با انفجار زیر آوار ماند و جان داد. خانواده او صبح دوشنبه مقابل ساختمان ایستاه بودند و زیر آفتاب انتظار می‌کشیدند: «همه بیمارستان‌ها را کشتیم. آخر سر گفتند بروید کهریزک». راوی از بستگان او است.

چهره‌ها شناسایی نمی‌شوند

«محمد» را صدا می‌زنند؛ برادرزاده بیتا که تنها بازمانده یک خانواده چهارنفره است. پدر، مادر و خواهرش زیر آوار جان داده‌اند؛ پدر و مادر ۵۵ساله و خواهر ۳۷ساله‌اش. می‌پرسند چه نتشان بود؟ لاک صورتی داشت؟ محمد می‌گوید بر سرش به نشانه استیصال، «نمی‌دانم، نمی‌دانم». کمی می‌گذرد دوان‌دوان می‌آید: «حدین لباس نخي کرم خال‌دار تن داشت». این را بادش مانده. شاید از آخرین تصویری که از خواهرش زیر آوار ثبت کرده، دختری جلوتر می‌آید احتمالا دوست حدین است: «موهایش تا گوشش کوتاه است». پدر موهای جوگندمی دارد. کارمند می‌رود کمی بعد می‌آید. جواب روشنی نمی‌دهد. می‌گوید بروید فردا بیایید؛ ساعت هشت صبح. چهره‌ها قابل شناسایی نیست. باید آزمایش دی‌ان‌ای بگیرند از اقوام درجه‌یک. عکس و کد ملی میان خانواده‌ها و کارمندان ردوبدل می‌شود. بی‌فایده است. آسیب‌دیدگی‌ها شدید است. صبح دوشنبه مقابل ساختمان پزشکی قانونی کهریزک عده‌ای دیگر جمع شده‌اند. زنی همسرش را از دست داده؛ همسر سرنگ بوده و در ساختمان فراجی شریعتی در دفتر کارش بوده که مورد حمله قرار گرفته است. مرد ۵۰ساله است و حالا به فکر فرزندان ۱۵ و ۱۷ساله‌اش است که بی‌پدر شده‌اند. آنها هم برای تشخیص هویت آمده‌اند. ساعت هشت جست‌وجوی اجساد برادر و برادرزاده‌اش است؛ برادر ۵۴ساله و دختر ۲۲ساله‌اش. ساکن خیابان اندیشه هفت شریعتی بودند که هر دو در انفجار شهید شدند. مادر خانواده خانه نبوده و از لحظه انفجار تا ساعت شش بعدازظهر به دنبال مفقودشدگانش از این بیمارستان به آن بیمارستان رفته. حالا همه وارد ساختمان شده برای تشخیص هویت: «اگر جسد آسیب ندیده باشد از روی عکس و کمک خانواده شناسایی می‌شود. اگر هم آسیب دیده باشد از طریق آزمایش دی‌ان‌ای تشخیص هویت صورت می‌گیرد. از خانواده درجه‌یک خون می‌گیرند و بعد نتیجه را اعلام می‌کنند». آن یکی از ساری آمده. بردارش «داریوش» همراه دو فرزندش زیر آوار بودند. برادر و دخترش جان دادند و پسر خانواده که پاهایش بیرون از آوار بوده و به‌سرعت بیرون کشیده شده، زنده مانده است. دختر روی تخت خوابیده بود و پدر در اتاق پذیرایی نشسته بود. مادر خانواده برای تشخیص هویت رفته است: «سه روز است که برای تحویل جنازه‌ها می‌رویم و می‌آیم. هنوز نتیجه قطعی نده‌اند».

عده‌ای از شهرک شهید چمران آمده‌اند. زنی می‌گوید که هویت بردارش مشخص شده، اما دو نفر دیگر که همسر و فرزند ۱۲ساله هستند، هنوز شناسایی نشده‌اند.

منتظر جواب دی‌ان‌ای هستند.

امروز چه خبر؟

تغییر ساعت فعالیت متروی تهران

ایلنا: مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه از تغییر ساعت آغاز به کار مترو با توجه به اعلام دورکاری ادارات این استان توسط استانداری تهران خبر داد. هادی زند، اعلام کرد: «ساعت آغاز به کار مترو تهران از دوشنبه ۲۶ خرداد تا پایان هفته جمعه ۳۰ خرداد از ۴:۳۰ به ۵:۳۰ صبح تغییر می‌کند». او با اشاره به اینکه این تصمیم به دنبال اعلام دورکاری ادارات استان تهران توسط استانداری و پیش‌بینی کاهش حجم مسافران در ساعات اولیه صبح اتخاذ شده است، افزود: «این تغییر موقت، بهینه‌سازی مصرف انرژی و هماهنگی با الگوی کاهش تردد صبحگاهی را امکان‌پذیر می‌کند». زند ادامه داد: «مسافران، به‌ویژه شاغلان اداراتی که دورکاری ندارند، برنامه سفر خود را با توجه به این تغییر ساعت کاری تنظیم کنند».

حجاج مراقب «مرس» باشند

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفت: «تماس‌های نزدیک و طولانی‌مدت بین بیماران و کارکنان سلامت یا همراهان بیمار، بدون رعایت اقدامات کامل پیشگیری و کنترل عفونت، نقش مهمی در انتقال بیماری داشته و رعایت دقیق پروتکل‌های بهداشتی، استفاده از وسایل حفاظت فردی در محیط‌های درمانی و شناسایی سریع بیماری ضروری است». قباد مرادی با اشاره به موعد بازگشت حجاج از سفر حج، بر اقدامات پیشگیرانه در زمینه پایش بیماری تأکید کرد و افزود: «در تمام مرزهای ورودی، اطلاع‌رسانی، توزیع بروشور و پایش سلامت مسافران انجام می‌شود. به افراد توصیه می‌شود اگر تا دو هفته پس از بازگشت علائمی داشتند، به مراکز درمانی مراجعه کنند و مراقب تماس‌های فیزیکی نزدیک مانند روبوسی باشند و از ماسک مناسب در صورت داشتن علایم تنفسی برای محافظت استفاده کنند». او درباره بیماری مرس توضیح داد و گفت: «فرم شدید بیماری مرس بیشتر در افرادی مشاهده می‌شود که شرایط خاصی دارند. این افراد شامل سالمندان و کسانی هستند که سیستم ایمنی ضعیفی دارند، همچنین بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن مانند سرطان، دیابت، بیماری‌های مزمن کلیوی، ریوی و فشارخون بالا، در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به فرم شدید این بیماری قرار دارند، این گروه‌ها به دلیل سیستم ایمنی یا وجود بیماری‌های زمینه‌ای، توان مقابله با عفونت را کمتر داشته اولیه این بیماری اشاره کرد و گفت: «افراد به‌ویژه حجاج تازه از حج بازگشته، نسبت به علائمی همچون تب، سرفه و تنگی نفس، حساس باشند و در صورت مشاهده، حتما از وسایل و محافظتی مانند ماسک استفاده کرده و سریعاً به مراکز درمانی مراجعه کنند». به گفته مرادی، بر اساس گزارش‌های موجود، حدود ۳۶ درصد از موارد قطعی ابتلا به مرس که شناسایی و ثبت شده‌اند، منجر به مرگ شده‌اند، این آمار نشان‌دهنده شدت و اهمیت بالای این بیماری در حوزه سلامت عمومی است، درمان خاصی برای مرس وجود ندارد و عمدتاً درمان‌ها، حمایتی و نگهدارنده است.

بازنشستگان با ۲۵۰۰ تماس بگیرند

صندوق بازنشستگی کشوری در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: بازنشستگان کشوری برای دریافت هرگونه پاسخ، با ۲۵۰۰ تماس بگیرند. بر اساس اعلام این صندوق، با توجه به شرایط ویژه در کشور به‌ویژه در استان تهران، بازنشستگان و وظیفه‌بگیران صندوق بازنشستگی کشوری با خودداری از خروج از خانه و تردد در شهر و همچنین مراجعه به مدیریت‌های صندوق با پاسخ‌گویی ۲۵۰۰- ۲۱، که در ساعات اداری فعال است، تماس بگیرند و پیگیر امور جاری خود باشند.